



تنها راه نجات اخلاق، دین است/بی اخلاقی؛ مسئله جهان امروز

شهین اعوانی عضو هیئت علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران گفت: در جوامع ما که قوانین نمی توانند پشتوانه اخلاق باشند تنها نجات دهنده اخلاق دین تلقی می شوند.

شهین اعوانی عضو هیئت علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران گفت: در جوامع ما که قوانین نمی توانند پشتوانه اخلاق باشند تنها نجات دهنده اخلاق دین تلقی می شوند.

به گزارش خبرنگار مهر، شهین اعوانی عضو هیئت علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در نشست روز جهانی فلسفه با عنوان «بیم ها و امیدها» که به همت دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه علامه برگزار شد، با طرح این سؤال که از چه چیزی می ترسم و به چه چیز امید دارم، سخن خود را آغاز کرد و گفت: این مطلبی است که کانت مطرح می کند. طرح سوال های اساسی آن در غالب چه می توانم بدانم، چه باید بکنم و به چه چیز می توانم امیدوار باشم. من با توجه به بُعد اخلاقی کانت، مسئله را با وضع روزگار خودمان پیوند می دهم.

از چیزی که می هراسم

وی افزود: ما در دوره ای زندگی می کنیم که عدالت بیش از هر چیز اهمیت دارد و از فقدان آن رنج می بریم. در روزگار ما برای فرد اهمیتی ندارد که در جایی از جهان هزاران نفر زندانی شوند، شکنجه شوند یا کشته شوند، این احوال روزگار ما است. آیا با این همه کشته شدگان که هر روزه شاهد آن هستیم چرا بازخورد ما در سطح جهان یکسان نیست. انسان در اینجا ساکت می ماند شاید آرزو می کرد که اینگونه خبرها کاش به گوشش نمی خورد. نمی گوید کاش در جهان اتفاق نمی افتاد و لحظه ای آرامش ذهنی اش را مختل نمی کرد. مسلمان در قالب داعش و اسلام افراطی، دیگر مسلمانان را که به مسلمانی قبول ندارد و با تصلب دینی و نیت محوری حتی به قصد قربت الی الله مسلمانان دیگر را سر می برند. این امری برای ما به خبرهایی تبدیل شده ان که دائما در رسانه های جمعی می شنویم. از دست رفتن جان انسان ها به عده هایی تبدیل شده است که شمارشان همانهایی است که دائم کم و زیاد می شود بی آنکه بخواهیم به اصل موضوع بیاوریم.

وی گفت: شما آزاد هستید در روزهای جمعه محل گردش خود را انتخاب کنید. شاید برای اکثر انسانها که در عصر ما زندگی می کنند اگر میلیون های انسان رد جاهای دیگر دنیا از گرسنگی رنج باشند یا جان دهند یا در آتش جنگ بسوزند. چندان اهمیتی نداشته باشد بلکه مهم این است که ما در امنیت هستیم. همه ما به زندگی روزمره عادت کرده ایم.

اعوانی تصریح کرد: به یاد می آوریم که کانت در پاسخ به پرسش روشنگری چیست، می گوید روشنگری آن است که روشنگری و استقلال خودمان را بشناسیم و تصدیق کنیم شناختی که بهع داشتن شجاعت اندیشیدن برای خویش منوط است و چنین چیزی تنها مستلزم عملی ارادی است. یعنی این خود آئینی و خود استقلالی ملاک کانت شد اما موفق نشد که به اخلاق کشیده بشود. به طوریکه ما الان داریم نگاه می کنیم این خودآئینی نسخه خوبی برای زمانه ما نیست. بی اخلاقی در جوامع کنونی تحت تاثیر نگاه انتزاعی به عقلانیت عملی، لغزش به داعیه های انتزاعی و دور از واقعیت است و همین خصیصه سبب می شود نقدها و دغدغه های فیلسوفان مختلفی مثل هایدگر، سارتر... که معتقد بودند که به رغم نقاط قوت اخلاقی برآمده از ایده آلیسم استعلایی که در کانت مطرح شد این اخلاق از پدیده های انضمامی و اجتماعی غافل مانده و از لحاظ محتوی کم مایه و از لحاظ ایدئولوژی ساده انگاره و خام اندیشانه است.

وی گفت: ما در جهان کنونی بسیاری چیزها را از بشر گرفته ایم و آنها را نقد می کنیم بدون آنکه چیزی جایگزین آن کنیم اما سؤال این است که چه چیزی می توانیم جایگزین آن کنیم. چه چیزی را می توانیم برای همچنین خلایی جایگزین کنیم که مورد توافق جوامع جهانی باشد؟ در غرب برای رهایی معقول از این نقیصه قانون طوری اجرا می شود که مشخص نیست در جوامع غربی اخلاق بیرونی یا درونی است. چرا که آنجا قانون محور است. آیا این حاکمیت قانون است که سبب اجرای فعل اخلاقی می شود؟ یا اراده خود شهروندان؟ اما در جوامعی مانند جوامع ما که قوانین هم به خوبی اجرای نمی شوند تنها نجات دهنده اخلاق، دین تلقی می شود. در این صورت اگر در دو تعامل دین و سیاست، سیاست غالب بشود در آنجاست که سیاست بر مبنای سلطه و تفرقه اندازی و سیاست بازی است و صداقت اخلاقی و اعتقادات دینی را در خود جای نمی دهد. یعنی اخلاق دینی شود و دین با سیاست عجین بشود اخلاق را می بازیم.

وی ادامه داد: برای اینکه دین در کاربرد عملی اش که یکی از بروز و ظهور هایش ص اقت اخلاقی است. خدشه دار می شود. چرا که سیاست قرار نیست با صداقت همراه باشد. اخلاق در قربانگاه سیاست ذبح می شود. در فقدان اخلاق است که کرامت ذاتی انسان تهدید می شود این وضعیت کنونی جهان ما است. جوامع پیشرفته صنعتی تمام هم خود را در تجهیزات تسهیلات می کنند و عامل کشتار شدند. و نسبت به علت کشتار و عملیات انتحاری، دروغ، ریا که مسائل اخلاقی هستند این جوامع بی تفاوتند. گویی در روزگار ما تعریف جامع و مانعی از انسان نیست. مشکل نگاه برسرانسان هاست. در این صورت تعریف جامعی از انسان که کرامت ذاتی او را دربرگیرد وجود ندارد. مشکل این است که انسان طبقه بندی شده است.

به چه چیزی می توانیم امیدوار باشیم

اعوانی در پایان یادآور شد: در چنین وضعیتی به چه چیزی می توانیم امیدوار باشیم. گویی حتی خدا هم ما را نجات نخواهد داد. انسانیت طبقه بندی شده و نه انسانیت به ما هو حقو در این صورت بیشترین بیمی است که جهان با آن روبرو است. اخلاق به ما یک ماده، به ما یک غایت خرد ناب می دهد، تا آنجا که به انسان مربوط می شود این به معنای به عهده گرفتن تکلیف اخلاقی و ادایوظیفه انسانی است. به پرسشی چه غایاتی تکلیف اند؟ پاسخ می دهیم: تکالیفی که کمال خود شخص و سعادت دیگران در آن باشد. یعنی نگاه ما به انسان و انسانیت یکسان باشد درک معنای وجودی سوال من که به چه چیز می توانم امیدوار باشم برای کسی که آن را می پرسد چندان آسان نیست. ما در زندگی روزانه مان عادت داریم که به طورکلی هرچیزی که به انسانیت و انسان اصیل مربوط باشد نادیده بیانگاریم و یا به ان توجه نکنیم. اما مشخصه انسان اخلاقی عادل همواره این است که نه فریب بدهد و نه عمدا به دیگری آزار برساند. این به این معنی نیست که بگوئیم انسان عادت فریب هم نمی خورد. او اهل توجه و مراقبه است. و این او را نسبت به ظلم حساس می کند. آنچه می توان به آن امیدوار بود خودآگاهی انسان نسبت به خود و انسان هم نوع خود در عصر خودش است.